

آمریکا، باغ سبز و چنگال سرخ

۴ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۱:۰۰

می گویند از سال ۱۹۱۹ میلادی و بحبوحه تحقیر دیپلماتیک و سلاخی قلمروی رایش نخست یا همان امپراتوری آلمان در کنفرانس صلح پاریس تا زمان گفت و گوهای هسته‌ی ایران و ۱+۵، آمریکایی‌ها با نمایندگان هیچ کشوری چنین مذاکرات طولانی نداشته‌اند. از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم تا جمع بندی هسته‌ی ای وین وزیران امور خارجه و دیپلمات‌های ایرانی و آمریکایی ساعت‌هایی طولانی را صرف مذاکره کردند تا به نقطه‌ی مشترک در میان انبوه اختلافات در حوزه مسائل هسته‌ی ای برسند.

می گویند از سال ۱۹۱۹ میلادی و بحبوحه تحقیر دیپلماتیک و سلاخی قلمروی رایش نخست یا همان امپراتوری آلمان در کنفرانس صلح پاریس تا زمان گفت و گوهای هسته‌ی ایران و ۱+۵، آمریکایی‌ها با نمایندگان هیچ کشوری چنین مذاکرات طولانی نداشته‌اند. از زمان روی کار آمدن دولت یازدهم تا جمع بندی هسته‌ی ای وین وزیران امور خارجه و دیپلمات‌های ایرانی و آمریکایی ساعت‌هایی طولانی را صرف مذاکره کردند تا به نقطه‌ی مشترک در میان انبوه اختلافات در حوزه مسائل هسته‌ی ای برسند.

این گفت و گوهای طولانی که از پیاده روی‌های ژنو تا پشت درهای بسته‌ی محل‌های مذاکره ساعت‌ها، روزها و ماه‌ها به درازا کشید موجب برداشت‌ها و تفسیرهایی گوناگون شد؛ تعبیرهایی که نقطه‌ی آغازین آن را می‌توان در گفت و گوی ربع‌ساعته «حسن روحانی» و «باراک اوباما» روسای جمهور ایران و آمریکا در مهرماه ۱۳۹۲ جست و جو کرد که در واپسین ساعات حضور روحانی در شصت و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد صورت گرفت.

رخدادهایی از این دست سبب شد برخی از پایان نزدیک به چهار دهه هم‌اوردی تهران و واشنگتن سخن به میان آورند و حتی چشم انتظار عادی سازی عنقریب روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا بنشینند. در این میان برداشت‌های کوتاه اندیشانه و در واقع تفسیر به مطلوب تاکتیک مورد نظر رهبر انقلاب تحت عنوان «نرمش قهرمانانه» نیز به شکلی قطعه‌ای از پازل مورد نظر ستاینده‌گان عادی سازی روابط با آمریکا نمودار شد.

در این زمینه برخی برای برشمردن فرصت‌ها و مزیت‌های عادی سازی روابط با آمریکا دست به قلم شدند و حتی از پایان دوره شعارهایی نظیر «مرگ بر آمریکا» نوشتند و گروهی نیز بجای قلم، قلمو به دست گرفتند و بنا به تعبیر رهبر انقلاب با بزک کردن

چهره کریه «شیطان بزرگ» خیانتی آشکار مرتکب شدند.

این در حالی رخ داد که طی سال های گذشته مساله روابط عادی با آمریکا خط قرمزی پذیرفته شده و مشترک بین همه نخبگان و جریان های سیاسی معتقد به نظام جمهوری اسلامی دست کم در مواضع اعلانی- بوده حتی بسیاری از چهره های سیاسی که بعدها در اردوگاه فتنه یا انحراف قرار گرفتند مرزبندی مشخصی با این مساله در دوره تصدی مسئولیت های خود داشته اند.

در طول مذاکرات هسته ای نیز اقتضائات زمانی و پیچیدگی و ویژگی های این پرونده سبب شد تا ساکنانداران سیاست خارجی دولت یازدهم به صورت مشخص وارد فرایند چانه زنی با آمریکایی ها شوند که البته در این برهه نیز بارها با بدعهدی ها و بداخلاقی های طرف مقابل روبرو شدند؛ موضوعی که در کنار سوء نیت های تاریخی رهبران واشنگتن در قبال ایران، رفتارهای مستکبرانه و همچنین کنش های جنایتکارانه آمریکایی در برابر ملت ایران، سال ها است کاخ سفید را به مهمترین کانون دشمنی با تهران تبدیل ساخته است.

صرف نظر از رخدادهای و وقایعی چون کودتای ۲۸ مرداد، تاراج ثروت ها، استثمار ایران و حمایت از استبداد در سال های پیش از انقلاب، پشتیبانی آشکار از تجاوز رژیم بعثی عراق و جنایات گروه های تروریستی، کشتار ایرانیان در حوادثی چون حمله به هواپیمای مسافربری و هزاران توطئه، توهین، تقابل و ستیزه جویی با ایران انقلابی که بر ذهن ایرانیان برای همیشه حک شده است، باید این سوال را از هواداران گرایش به سوی واشنگتن پرسید که در آمریکا چه رخ داده و چه چیز تغییر کرده که در ایران باید رویکردی دیگرون به صورتی متقابل در پیش گرفته شود.

برخی با اشاره به شعار «تغییر» رییس جمهور کنونی آمریکا که موجب به قدرت رسیدن وی در سال ۲۰۰۸ شد در جست و جوی نشانه های این تغییر در رابطه ی ایران و آمریکا بوده اند یا اینکه روی کار آمدن دموکرات ها در کاخ سفید را در مقایسه با رهبران جنگ طلبی چون «جرج. دبلیو بوش» عاملی برای زدودن اختلافات دوجانبه بین تهران و واشنگتن تلقی کرده اند. این در حالی است که تغییر نه در ماهیت سیاست های آمریکا بلکه در وضعیت این کشور در عرصه بین الملل رخ داده است.

آنچه مشخص است اینکه راهبرد کلان آمریکایی ها برای خارج شدن از باتلاق خاورمیانه ای و تمرکز بر تقابل با چین به عنوان اصلی ترین رقیب جهانی واشنگتن در قالب استراتژی «ثقل آسیایی» بر تمایل آمریکایی ها برای کاستن از سطح مخاصمه با قدرت اول منطقه بی تاثیر نبوده است. ضمن اینکه هزینه های بسیار تقابل با تهران بر سر برنامه ی صلح آمیز هسته ای و پابرجا نگاه داشتن ساختار تحریم ها و همچنین به نتیجه رساندن مساله ایران هسته ای به عنوان مهمترین پرونده سیاست خارجی دولت اوباما سبب شد تا خروج از این بن بست به موضوعی حیاتی برای آمریکایی ها تبدیل شود ضمن آنکه طی دهه های گذشته عملاً هیچ تفاوتی بین دموکرات ها و جمهوریخواهان در زمینه رفتارهای مستکبرانه و خصمانه، کارشکنی و بدعهدی در قبال ایران وجود نداشته است. در این زمینه صدور فرمان حمله نظامی به طبرس و بدعهدی بر سر آزادسازی جاسوسان فعال در سفارت آمریکا از سوی «جیمی کارتر» و گسترش تحریم های ضد ایرانی در زمان «بیل کلینتون» و اوباما و تداوم تهدیدهای پوشالی نمونه هایی از

با توجه به رویکردها و مواضع آمریکایی ها در گذشته و حال و نقشه های راه آینده می توان گفت هیچ تغییری در نوع نگاه رهبران این کشور به واقعیتی چون ایران انقلابی پدید نیامده و حتی برخی ناظران بر این باورند رهبران واشنگتن از دل مذاکرات هسته ای و از طرفی چون تحدید توان نظامی و موشکی ایران به دنبال تضعیف موقعیت و توان جمهوری اسلامی در درازمدت هستند.

جدا از مولفه های مربوط به روابط فی مابین، ماهیت سیاست آمریکایی در جهان بر پایه هایی چون حمایت از رژیم اشغالگر قدس و صهیونیست هایی که خود صحنه گردانان عرصه ی سیاست در واشنگتن هستند، همچنین استثمار ملت های جهان و نمایندگی فرایند استکبار در صحنه ی بین المللی نقاط تقابلی هستند که با توجه به عناصر هویتی نظام جمهوری اسلامی که بر نفی استکبار، حمایت از مظلومان جهانی و عظمت اسلام و مسلمین مبتنی است هرگز قابل جمع نیست.

با توجه به این واقعیت، حتی توافق های محدود و موقت نمی تواند چشم اندازی از وضعیت مطلوب عده ای را محقق سازد که هرگز ژرفا و فلسفه شعار مرگ بر آمریکا را دریافته و نمی یابند و در اوهم خود، خیال دوستی با جهانخواران را می پروراندند.

از این رو هشدار اخیر رییس جمهوری در جمع مردم کردستان مبنی بر لزوم «خانه تکانی اتاق های سیاسی آمریکایی ها» در قبال ایران حتی در صورت پاسخ مثبت رهبران واشنگتن بی فایده خواهد بود زیرا این اتاق برای تغییر واقعی رفتار آمریکایی ها نیاز به ویرانی و بازسازی خواهد داشت که در عمل ناشدنی است.

پایان سخن آنکه در باغ سبز نشان دادن به آمریکا در هر زمان معنایی جز روی خوش نشان دادنی خوش خیالانه و کورکورانه به حکومتی درنده خو با چنگال هایی آمیخته به خون ملت ایران نخواهد داشت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۷۶۳/سرخ-چنگال-سبز-باغ-آمریکا>